

شکفتی‌های آموزش زرتشت

استاد جلال الدین آشتیانی

نخست از خوانندگان گرانمایه پوزش می‌خواهم که بیماری و ناتوانی مرا ناگزیر می‌سازد بسیار فشرده و نارسا سخن خود را در میان گزارم. من از نوجوانی که با آموزش زرتشت آشنا شدم تاکنون پیوسته گاتاها را با خود داشته و گه‌گاه آن را بررسی می‌کنم. چشمگیر است که در این زمان بس دراز پیوسته با شکفتی‌هایی روبرو شده‌ام. به ویژه در هم‌سنجی با آئین‌های دیگر، که کارمایه و زمین‌ی بررسی و پژوهش‌ها و کندوکاوهای سراسر زندگی می‌باشند و نیک‌نگری به این رویداد، که این آموزش نزدیک به ۴۰۰۰ سال پیش دو دورانی که بت‌پرستی و توتمیسم و آنرچسم باورهای جهانی بوده‌اند، می‌توان به ارزشمندی و بایستگی آن پی برد.

نخستین و برجسته‌ترین بنیادی که در آموزش زرتشت نگر همه‌ی پژوهشگران را به سوی خود کشیده، آزادی‌گزینش راه و آئین زندگی به یاری آگاهی و خرد، بینش درون (وجدان نیک) ... است، که در هیچ آئین دیگر چنین روشن و آشکار و پابرجا در میان گذاشته نشده است. چون در این زمینه سخن بسیار گفته شده، از دوباره‌گویی چشم پوشیده به آن چه هماگن این جستار است می‌پردازم.

در گاتاها شش بار از کسانی به نام سئوشینت «سئوشیتا(م) جمع» نام برده شده است. (سه بار مفرد ۴۵/۱۱، ۴۸/۹، ۵۳/۲ و سه بار جمع ۴۳/۱۳، ۴۶/۳، ۴۸/۱۲) این واژه به آرش سودرسان و یاری‌دهنده می‌باشد. چشمگیر

ایران زمین

است که زرتشت خود را نیز سئوشینت نام برده (نه فرستاده و زبان خدا!!)

زمانی که مغان دیوپرست (دئویسن در برابر مزدیسن) خود را به نام نمایندگان زرتشت بر مردم بار کردند و با برپاداشتن نمایش ارداویراف، دیوپرستی و آئین کرپن ها و سیج های کهن را زنده و خدای انسان گونه تورات را جانشین مزدا ساختند، سئوشینت را که نجات دهنده نیز برداشت می شد و زرتشت هم به این نام خود را نامیده بود، بازگشت زرتشت برای رهایی جهان خواندند. از همین نهاد عیسویان بازگشت مسیح را ساختند و شیعیان اسلام، امام زمان و شیعیان ایران باب را آفریدند. برای آن که سخن را کوتاه کنیم من دیدگاه چند اندیشمند زرتشتی را درباره سئوشینت (که سوشیانس نیز گفته می شود) در میان می گذارم:

استاد دکتر جفری در پیام زرتشت آورده: «سئوشینت ها سودرسانان کشورها خواهند بود که در پی خشنودی منش نیک می باشند و کردار خود را بر روی راستی و طبق آیین نو استوار می سازند.» و هم او در سئوت یسن می نویسد: «در روزگارهای پسین که زرتشتیان گرفتار روزهای سخت و دشوار شدند و چشم به راه رهاننده ای دوختند «سوشیانس» یک یا سه رهاننده را خواندند. برخی هنوز بیکار و دست روی دست نهاده و چشم به راه پدید آمدن شگفتوارش هستند.»

شادروان دکتر تارا پوروالا می نویسد: «سوشیانت کسی است که آئین و آموزش نوینی به جهانیان تعلیم خواهد داد و فرهنگ نوی را در جهان شروع خواهد کرد.» و سوید شادروان آذرگشسب می نویسد: «از مفاد تمام نوشته ها و متن های اوستایی برمی آید، سوشیانت ها، چه کسانی که در گذشته بوده و یا در آینده از مادر زاده خواهند شد، همه دارای فروزه ویژه رهبری مردم به سوی راستی و پاکی و به زیستی و پیشرفت می باشند. خود اشوزرتشت نیز یکی از

ایران زمین

سوشیانت‌ها به حساب آمده است...» به باور آذرگشسب همه اندیشمندانی که در راه پیشرفت و فرگشت آدمیان و پاکی و راستی و برادری... آدمیان می‌کوشند می‌توان سوشیانت‌ها نامید.

از این فشرده می‌توان به نکته‌هایی دست یافت که تاکنون در هیچ دین و آیینی پرداخته نشده است:

۱- پیش از این یادآور شدم که برجسته‌ترین بنیادی که به روشنی در آموزش زرتشت پایه پذیرفته شده گزینش آزاد بر پایه خرد و یاری بینش درون... است. اکنون اگر بازبینی این جستار را بررسی کنیم درخواهیم یافت که جهان پیوسته در دگرگونی است و فرگشت و پیشرفت بایسته‌ی آدمیان پیوسته با زندگی هازمانی است. اگر در باورهای هازمانی (اجتماعی) شایبایی فرگشت پیش‌بینی نشده باشد، چگونه می‌توان امید داشت با پیشرفت‌ها همپا شد و هازمان شایسته‌ی زمان پدید آورد؟

فرگشت با گزینش همسان نیست، از این رو برانگیزاندن و دلگرم نمودن به پیشرفت و نوآوری باید همراه گزینش آزاد باشد. از سوی دیگر پذیرش این بیشتر مرده ریگی و بدون تکیه بر خردمندی و سنجش و سگالش انجام می‌گردد و کودک در گهواره به دین پدر و مادر پرورش می‌یابد. با پیشرفت دانش و آگاهی و دریافت، به ویژه اکنون که این شتاب پیوسته فزونی می‌یابد، می‌توان پیش‌بینی کرد که خردمندی از آیین و پرورش مینوی وابسته به آن یکسره چشم پوشد. ولی خردمندان فریود کیش که در دین خود استوارند و پروانه بازنگری در گفتار خدا، مقدسین، نیروهای ورارو... ندارند، هرگز به خود پروانه چنین کاری نمی‌دهند (به ویژه اگر در دین به دوزخ یا مرگ هراسانده شوند!)

شگفت آور است که در آموزش زرتشت فرگشت پیش‌سازی شده است و تکیه بر

ایران زمین

سیوشینت راهنمایی به این سازه است. آنگاه که زرتشت خود را یک نوسازنده آیین و سودرسان نامید و به روشنی پافشاری کرد که خردمندان نیک اندیش و خواهان پیشرفت و بالندگی مردم، یا سیوشینت‌ها باید برای پیشرفت هازمانی و برپا داشتن سامانی به سود همه به تلاش پردازند، بی گمان بر این باور بوده است که:

این فرمان خدا برای انجام دستورها و خوش آمد او نیست (که خدا نه جاندار سخنگوست و نه فرمانده و خواهنده، که مزدا هستی و دربرگیرنده و بنیاد آفرینش است) تا اگر به فرمانش گردن ننهند به دوزخ و آتش سوزان هراسانده شود. دین برای رهبری آدمها به نیکی و راستی و پاکی، به زیستی و پیشرفت است (گفته شادروان آذرگشسب). از این رو همان گونه که زندگان و زندگی در فرگشت و پیشرفتند، آدمها نیز باید هم آهنگ با این فرگشت گردند. من در چند نوشتار نسبی بودن نیکی و بدی، خیر و شر... و دیدگاه زرتشت در این باره را واشکافی کرده‌ام، و نشان داده‌ام که چگونه زرتشت به جای آن که به دستورهای شایان دگرگونی و فرگشت پردازد، و از چگونه خوردن و پوشیدن و... سخن گوید به پرورش خرد و آگاهی یاری داده تا انسان‌های خردمند و نیک وجدان (۱) بنا بر نیاز زمان راه درست و شایسته را برگزینند و به یاری سیوشینت‌ها با فرگشت همگام گردند. سخن در این زمینه و شگفتی‌های دیگر آموزش زرتشت (که این نخستین شماره گذاری شد) گسترده و فراوان است، که دریغا حال من پروانه پیگیری در این نوشتار را نمی‌دهد. اگر بیماری و زندگی پروانه دهند، شاید این جستار را دنبال کنم.

(۱) در آموزش زرتشت دین یا دینا از واژه «دی» دیدن ریشه گرفته و دید درونی (آوای درون) یا همان وجدان است که به یاری پایه‌های دیگر (آگاهی، دانایی، خرد...) به کردار راست و نیک اندیشی... رهبری می‌کند. بررسی این

ایران زمین

جستار خود نیاز به گفتار گسترده‌ای دارد، که در این کوتاهاواره جا برای آن

نبود.